

فریضه حج در اسلام

مدرس دارالعلوم زاهدان
عبدالعزیز نعمانی

خداوند به راز و نیاز می‌پردازند و با برگزاری آیینها و مراسم مذهبی به درگاه خداوند رسم بندگی و عبادت را بجا می‌آورد.

آنچه مسلم است هیچ دین و آئینی عاری از عبادت خدا نیست. اما پیشوایان ادیان تحریف شده و باستانی چنین پنداشته‌اند که دین خواستار آزار و شکنجه آنان بوده و مقصود از عبادت، تحمل رنجها و سختیهای جسمانی است. انزواگزینی هندوها، رهبانیت مسیحیان و تکدی‌گری بوداییان زائیده همین طرز تفکر است؛ که طاققت فرساترین و دشوارترین روش را برترین روش عبادت و تقرب به بارگاه الهی معرفی می‌نمایند. خداوند در رد این طرز تفکر می‌فرماید:

«وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ»^(۶)؛ (پیروان حضرت عیسی علیه السلام) رهبانیت سختی را پدید آوردند که ما آن را بر آنان واجب نکرده بودیم، و لیکن خودشان آن را برای بدست آوردن خوشنودی خدا پدید آورده بودند (و برخویشتن نذر و واجب نموده بودند).

این آیه بیانگر آن است که رهبانیت از بدعتهای مسیحیان بوده و از جانب خداوند مقرر و تشریح نگردیده است و آنان از پیش خود بدان روی آورده‌اند.

هدف از آفرینش انسان در پرتو آیات الهی و رهنمودهای پیامبران، چیزی جز عبادت و بندگی خداوند نیست. عبادتی که همه ابعاد زندگی انسان را فراگیرد و نهایتاً او را به حد اعلای تکامل روحانی و معنوی برساند. انسان فطرتاً گرایش به عبادت دارد؛ ناخود آگاه حس دینی‌اش پویا می‌شود و عطش روحش فزونی می‌یابد تا آنجا که روح سرگردان و بی‌پناه انسان به هر سو می‌گریزد تا درون آشفته‌اش را با ایمان به خدا از رنج و عذابی که دامنگیر اوست، رهایی بخشد.

بر اثر همین حس درونی دینی است که انسان مؤمن به عبادت می‌پردازد، تا از این طریق نوعی رابطه خاضعانه، عاشقانه، ستایشگرانه و سپاسگزارانه را با خدا یعنی معبود حقیقی برقرار نماید؛ از این رو عبادت بسان پلی می‌ماند که بنده را به معبودش می‌رساند و عاشق سرگشته را با معشوق حقیقی وصال می‌دهد.

در جهان امروزی پیروان ادیان و مکتبهای مختلف با انجام مراسم و آیین‌های عبادی خاصی ادعا بندگی و تقرب جستن به خالق هستی را دارند. زرتشتی با افروختن آتش در آتشکده، و بودایی با ساییدن پیشانی بر آستان مجسمه بودا و مسیحی با تعظیم و تقدیس تمثال حضرت مسیح و بالاخره برهمنی، هندو، یهودی و مسلمان هر یک با شیوه خاص خود، با

زکات؛ ۴- روزه گرفتن رمضان؛ ۵- حج بیت الله الحرام. نتیجه همه این مراحل قرب به پروردگار است، در حدیث معروف و مشهور قدسی به صورت بسیار زیبایی این حقیقت بیان شده است.

خداوند می فرماید: «هیچ بنده ای با هیچ چیزی به من نزدیک نشده است که از فرائض نزد من محبوب تر باشد. همانا بنده من به وسیله نوافل و مستحبات به من نزدیک می شود تا محبوب من می گردد. همینکه محبوب من گشت، من گوش او می شوم که با آن می شنود، و چشم او می شوم که با آن می بیند، دست او می شوم که با آن می گیرد، پای او می شوم که با آن راه می رود. اگر مرا بخواند اجابت می کنم و اگر به من پناه آورد به او پناه می دهم.»^(۴)

از این رو عبادتهای اسلامی شکلها و برنامه های معینی هستند که از جانب خداوند برای تقرب جستن به ذات او ترسیم شده اند.

عبادت حج

حج در لغت: یعنی قصد کردن، آهنگ کردن و در اصطلاح شریعت اسلام، حج عبارت است از: قصد و حرکت کردن مسلمان مستطیع به سوی بیت الله الحرام در وقت معین با انجام اعمال مخصوص^(۵) تا از این طریق، عبدیت و بندگی خود را در ظاهر و باطن در برابر الله، اظهار دارد و با انجام اعمال و افعال حضرت ابراهیم علیه السلام و به وسیله تعظیم و محبت شعائر موجود در آن سرزمین ارتباط خود را با ابراهیم علیه السلام که مظهر کامل عبدیت و محبت است اظهار نماید.

مناسک حج به طور کلی یادآور خاطرات حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام است که با عقیده راسخ و توکل کامل از همه اسباب قطع امید می کند و همسر و فرزند خردسالش را در بیابان خشک مکه برای

لذا آنچه در ادیان منحرف امروزی به نام دین به خورد مردم داده می شود، مورد تأیید و خواست خداوند نیست، بلکه یکرشته مراسم توخالی و خرافی هستند که ساخته و پرداخته کشیشان و پدران روحانی و احبار و علمای سوء و... هستند، و هیچ گونه تأثیر مثبتی در پالایش روح و روان انسان ندارند و صرفاً اشکال ظاهری و جنبه نمایشی دارند.

ویژگی عبادت در اسلام

دین اسلام یگانه دین برگزیده خداوند است که روش حقیقی معرفت و عبادت خداوند را به صورت شفاف و صحیح برای بندگان الهی، ترسیم می نماید؛ اسلام از راههای افراطی گری، تحریف و دگرگونی به دور مانده و از سرتوشتی که سایر ادیان به آن گرفتار آمده اند کاملاً مصون مانده و بر همان جوهره حقیقی و چارچوب اصلی خود همچنان باقی است.

«ان الدین عند الله الاسلام»^(۱)؛ بیگمان دین (حق و پسندیده) در پیشگاه خدا اسلام (یعنی خالصانه تسلیم فرمان الله شدن) است.

«و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه»^(۲)؛ و کسی که غیر از (آئین و شریعت) اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی شود.

«مایرید الله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم و لیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون»^(۳)؛ خداوند نمی خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت اندازد، و بلکه می خواهد شما را (از حیث ظاهر و باطن) پاکیزه دارد و (با بیان احکام اسلامی) نعمت خود را بر شما تمام نماید، شاید که شکر (انعام و الطاف) او را (با دوام بر طاعت و عبادت) بجای آورید.

در دین اسلام برای تقرب جستن به خداوند عزوجل، برنامه مشخص عبادی بی به عنوان شعائر برجسته و مخصوص برگزیده شده اند که اساس این عبادات عبارتند از:

۱- گواهی دادن به یگانگی خداوند و به رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله؛ ۲- برپا داشتن نماز؛ ۳- پرداخت

■ دین اسلام

یگانه دین

برگزیده خداوند

است که روش

حقیقی معرفت و

عبادت خداوند را

به صورت شفاف

و صحیح برای

بندگان الهی،

ترسیم می نماید.

۱- آل عمران: ۱۹

۲- آل عمران: ۸۵

۳- مائده: ۶

۴- بخاری، الجامع الصحیح: ۱۴۳/۷، شماره حدیث: ۶۵۰۲، دارالکتب العلمیه ۱۴۱۲ ه. ق.

۵- تهانوی، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون: ۱/۶۱۹، مکتبه لبنان، ۱۹۹۶ م.

خدا رها می سازد. و نهایتاً در همانجا دعا می کند. کعبه را برای عبادت خداوند یگانه می سازد و خدا را عاجزانه دعا می کند تا آن را مرکز توحید و تجمع عالمیان بگرداند. خداوند این دعای خالصانه را اجابت می نماید و خطاب به ابراهیم علیه السلام می فرماید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»^(۱)؛ مردم را دعوت به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری (به سوی خانه کعبه) بیایند.

از این رو، حج تجدید میثاق است با آرمانهای ابراهیمی و این که حاجی با دنیای پیرامون خود قطع رابطه می نماید و با لباس احرام و سر و وضعی ساده و بی آرایش لبیک گویند عازم دیار ابراهیمی می شود و در حقیقت این شعار توحیدی و عرفانی را زمزمه می کند که: «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَأَشْرِكَ لَكَ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ»^(۲)؛ «همانا نماز و تمام عبادات من، زندگی و مرگم، همه برای خداوند، پروردگار جهانیان است. شریک و همتایی ندارد. من به همین دستور یافته‌ام، و من نخستین مسلمانم».

حج در واقع شناخت اساس و پایه مذهب بزرگ ابراهیم علیه السلام است دعوت به آیین خالص ابراهیمی که از شائبه هرگونه عقیده شرک آمیز مبرا است و عمل را بر خلوص نیت استوار می سازد. هدف حج، دل بستگی به معبود حقیقی و گسستن از همه و نهایتاً به خدا عشق ورزیدن و از غیر او بیزار می گسستن است.

حج در میان ملل مختلف

میان ملل و اقوام مختلف مکانهای بخصوصی وجود داشته که در اعتقاد آنان مقدس و محترم بوده که بر حسب اعتقاد و دین و مذهب خویش اجتماعاتی را در آنجا برگزار می نمودند و آن را حج می نامیدند. از جمله قبطیهای مصر، همانند سایر ملل جهان معبودانی داشتند که برای هر یک از آنها عبادتخانه‌ای اختصاص داده بودند، که هر از چند گاهی برای حج و زیارت به آنجا می رفتند. از معابد مشهور مصریان می توان به معبد «ایزیر»، «فتاح» و

«امون» اشاره کرد.

ایام حج و زیارت معابد، نزد مصریان از مبارکترین روزهای سال بشمار می آمد. آنان مطابق آداب و رسوم خود در آن روزها به دعا و نیایش می پرداختند.

یونانیان نیز عبادتخانه‌هایی داشتند که برایشان بسیار مقدس و محترم بودند. معبد «دیانا» که در شهر «افسوس» واقع شده و تاریخ تأسیس آن به قرن‌ها قبل از میلاد مسیح بر می گردد و تا دو قرن پیش از میلاد محل زیارت و حج یونانیان بوده است. از آن پس به حج معبد «مینارفا» واقع در شهر آتن و معبد «ژوپتر» می رفتند.

یهودیان نیز از اوایل قرن چهاردهم قبل از میلاد، عبادتخانه‌ای را که در آن تابوت عهد یا شهادت قرار داشت، هر سال سه بار حج می کردند و بهمین سبب بازار تجاری «اورشلیم» رونق تجاری خاصی به خود گرفت تا آنکه «طیطوس» امپراتور روم، شهر اورشلیم را به آتش کشید و یهودیان ساکن آنجا را آواره ساخت. یهودیان امروزی نیز قطعه‌ای از دیوار قدیمی معبد سلیمان را که در جانب غربی مسجد الاقصی واقع شده حج می کنند. مسیحیان نیز به حج و زیارت می روند که «هیلا نه» - مادر قسطنطین - آن را بر قبری بنا کرد.^(۳)

اما حج در اسلام با حج سایر ادیان تفاوت اساسی و کلی دارد. حجی که در سایر ادیان به منظور تبرک جستن از قبرها و زیارت مردگان و معابد و آثار تاریخی انجام می گیرد، از دیدگاه اسلام موجب شرک به خداوند و دوری از ذات اقدس وی می شود.

تاریخچه بنای کعبه و حج

کعبه نخستین خانه توحید و با سابقه‌ترین معبدی است که در روی زمین وجود دارد؛ از آیات و روایات اسلامی چنین بر می آید که هیچ مرکزی پیش از آن، مرکز نیایش و پرستش پروردگار نبوده

۱- حج: ۲۷. ۲- انعام: ۶۳.

۳- مأخوذة از: حکمت و فلسفه شریعت، شیخ علی احمد جرجاوی، ص: ۲۰۴، ۲۰۵، انتشارات شیخ الاسلام، ۱۳۸۰ هـ ش

■ حجی که در سایر ادیان به منظور تبرک جستن از قبرها و زیارت مردگان و معابد و آثار تاریخی انجام می‌گیرد، از دیدگاه اسلام موجب شرک به خداوند و دوری از ذات اقدس وی می‌شود.

است.

در برخی روایات آمده است که خانه کعبه بدست حضرت آدم علیه السلام ساخته شد و سپس در اثر طوفان نوح علیه السلام آسیب دید و به وسیله حضرت ابراهیم علیه السلام تجدید بنا شد.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: نخستین کسی که اساس خانه کعبه را بنا نهاد و در آن نماز گذارد و بر آن طواف کرد، حضرت آدم علیه السلام بود تا آنکه خداوند طوفان را که خشم خداوند و سبب بدبختی بود، فرستاد. چون طوفان تمام شد... جایگاه بیت الحرام بر اثر طوفان آسیب دید تا آنکه خداوند متعال، ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام را برانگیخت و آن دو پایه ها و نشانه های کعبه را برافراشتند و مدتها پس از آن قریش آن را ساختند. (۱)

در قرآن نیز آیاتی وجود دارد که بیانگر بنای خانه کعبه پیش از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام است. از جمله دعای حضرت ابراهیم علیه السلام که قبل از بنای کعبه می فرماید: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ» (۲)؛ پروردگارا! فرزندانم را در این سرزمین خشک و بی حاصل در کنار خانه ای که حرم تو است سکونت دادم.

این آیه گواهی می دهد که زمانی که حضرت ابراهیم برای نخستین بار به همراه همسر و فرزندش به سرزمین مکه آمد، اثری از خانه کعبه وجود داشته است؛ در هر حال این مسأله مورد اتفاق نظر همه مفسران است که خانه کعبه نخستین خانه ای بوده که برای عبادت و پرستش خداوند ساخته شده است.

«إِنَّ أَوْلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَنَىٰ مَبَارَكًا وَهُدًىٰ لِّلْعَالَمِينَ ۝ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (۳)؛ نخستین خانه ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است. در آن نشانه های روشن است از جمله مقام ابراهیم و هر کس داخل آن شود در امان خواهد بود.

در این دو آیه برای کعبه علاوه بر امتیاز «نخستین پرستشگاه بودن» چهار امتیاز دیگر ذکر شده است: ۱- مَبَارَكًا: به معنی پر برکت و پر فایده و کعبه از

این جهت مبارک است که هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی در یکی از پربرکت ترین سرزمینهای جهان واقع شده است.

برکات معنوی این سرزمین و جاذبه های الهی و تحرک و جنبش و وحدتی که در پرتو آن در مراسم حج به وجود می آید بر کسی پوشیده نیست. از نظر مادی مکه یکی از شهرهای مهم تجاری جهان بشمار می آید.

۲- هُدًىٰ لِّلْعَالَمِينَ: کعبه مایه هدایت جهانیان است. مردم از نقاط دور و نزدیک به این عبادتگاه بزرگ می آیند و در مراسم باشکوه حج شرکت می جویند، جاذبه معنوی این سرزمین و این خانه مقدس چنان است که همه را بی اختیار تحت تأثیر خود قرار می دهد.

۳- فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ: در این نشانه های روشنی از خداپرستی و توحید و معنویت به چشم می خورد مانند: زمزم، صفا، مروه، رکن، حطیم، حجرالاسود که هر کدام تاریخ مجسمی از فداکاریهای خاندان ابراهیم علیه السلام است.

۴- وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا: ابراهیم علیه السلام بعد از بنای خانه کعبه امنیت شهر مکه را از خداوند درخواست نمود: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا»؛ (۴) خدا دعای حضرت ابراهیم علیه السلام را اجابت کرد و آن را تا به امروز مرکز امن قرار داد که همواره مایه آرامش روح و امنیت اجتماع مردمی است؛ بطوریکه کندن گیاهان این شهر نیز برای جاجیان ممنوع است.

اهمیت حج در اسلام

حج پنجمین رکن اساسی اسلام است که در سال نهم هجری بر مسلمانان فرض شد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله ابوبکر صدیق رضی الله عنه را به عنوان امیر حج اعزام فرمود تا با مسلمانان مراسم حج را بجا آورده و آيات و احادیث متعددی درباره اهمیت و تأکید و رفتن به حج خانه کعبه وارد شده است.

۱- ازرقی، ابوالولید، اخبار مکه، ص: ۳۰، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۸.
 ۲- ابراهیم: ۳۷.
 ۳- آل عمران: ۹۶-۹۷.
 ۴- ابراهیم: ۳۵.

■ کعبه مایه هدایت جهانیان است. جاذبه معنوی این سرزمین و این خانه مقدس چنان است که همه را بی اختیار تحت تأثیر خود قرار می دهد.

■ نکته اساسی
در عبادت آن
است که برای
امتثال فرمان
خدا و ادای حق
بسنديگی و
سپاسگزي از
نعمتهای
انکارناپذیر وی
انجام می‌گیرد و
لازم نیست که
نتایج و بهره‌های
آن در زندگی
مادی انسان
مشهود باشد.

و نصاری نماز می‌خواندند ولی به حج نمی‌رفتند اما مشرکان عرب حج می‌کردند و نماز نمی‌خواندند.^(۵)

حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «یا ایها الناس! قد فرض علیکم الحج فحجوا»^(۶)؛ ای مردم! حج بر شما فرض شده، لذا حج کنید.

و در روایتی فرمودند: «من حج لله فلم یوفت و لم یفسق رجع کیموم و لذته أمة»^(۷)؛ کسی که برای خدا حج کرد و در آن شهوت پرستی و فسق نکرد از حج به حالت روزی باز می‌گردد که از مادرش متولد شده است.

صحابه گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از آن حضرت درباره برترین اعمال پرسیدند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «برترین کردارها: ایمان به خداوند و پیامبر او، پس از آن جهاد در راه خدا و سپس حج خالص و مورد قبول خداوند است»^(۸). همچنین آن حضرت صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حج خالص و مورد قبول خداوند، پاداشش تنها بهشت است»^(۹).

حج مبرور

حج یکی از عبادت‌های بزرگ اسلام است که باید با رعایت آداب و شرایط انجام گیرد در آن صورت امید است تا چنین حجی مورد قبولیت خداوند عزوجل قرار گیرد و تأثیرات روحی و معنوی آن کاملاً مشهود باشد؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَمَنْ قَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَارَقَتْ وَ لَأُقْسُوْنَ وَ لَأَجْدَالَ

خداوند عزوجل می‌فرماید: «وَ أَتَمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ»^(۱)؛ حج و عمره را برای خدا بجا آورید.

«وَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^(۲)؛ و حج این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانایی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند.

در این آیه دستور انجام حج به همه مردم داده شده که اشاره‌ای به دعوت دینی الهی و پیروی از مناسک ابراهیم حنیف صلی الله علیه و آله در حج است.

در صورت تحقق شرایط ذیل رفتن به حج برای هر انسان یک بار در عمر فرض است:

۱- اسلام: بدین معنی که گزاردن حج و عمره و دیگر عبادات بر غیر مسلمانان واجب نیست؛ زیرا آنان پیش از هر چیز مکلف به ایمان هستند و مبنای پذیرش و عدم پذیرش همه عبادات، ایمان است.

۲- عقل: زیرا تکلیفی از جانب خداوند متوجه دیوانگان نیست.

۳- بلوغ: بخاطر اینکه کودکان تا زمانی که به حد بلوغ نرسیده‌اند مکلف نیستند.

۴- استطاعت: حج بر کسانی که توانایی مالی و جسمی لازم برای هزینه و تحمل مشکلات سفر و ادای مراسم را نداشته باشند، واجب نیست.^(۳)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به روشها و در مناسبت‌های مختلفی مسلمانان را به ادای این عبادت بزرگ تشویق و ترغیب نموده‌اند.

حضرت علی رضی الله عنه روایت می‌کنند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که بتواند توشه و مرکبی برای حج خانه خدا فراهم کند و با این حال به حج نرود، راهی بجز یهودی یا مسیحی مردن را پیش رو ندارد. بخاطر آنکه خداوند در قرآن می‌فرماید: حج خانه خدا بر همه کسانی که توانایی (مالی و جسمی) داشته باشند، واجب است.^(۴)

امام شاه ولی الله دهلوی رحمته الله علیه در تشریح این حدیث می‌فرماید: ترک کردن رکنی از ارکان اسلام به مثابه آن است که تارک آن از آیین اسلام خارج می‌گردد و بدان خاطر، تارک حج به یهودی و نصرانی تشبیه داده شده است و تارک نماز به مشرک، که یهودیان

۱- بقره: ۱۹۶. ۲- آل عمران: ۹۷.
۳- ابوبکر الجزائیری، کلیات اسلام، ص ۳۲۵، مترجم: عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان، چاپ اول ۱۳۸۱ ه. ش.
۴- ترمذی، سنن الترمذی: ۱۷۶/۳، شماره روایت: ۷۱۳، دارالکتب العلمیة، لبنان.
۵- دهلوی، احمد بن عبدالرحیم، حجة الله البالغة: ۵۷/۲، المكتبة السلفية، لاهور، پاکستان.
۶- مسلم، صحیح مسلم: ۹۷۵/۲، شماره روایت: ۱۳۳۷، دارالحدیث، قاهره.
۷- بخاری، الجامع الصحیح: ۴۷۱/۲، شماره روایت: ۱۵۲۱، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ه. ق.
۸- همان مرجع: ۴۷۱/۲، شماره روایت: ۱۵۱۹.
۹- مسند امام احمد بن حنبل: ۲۲/۳، شماره روایت: ۹۶۲۳، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۹۳ م.

فِي الْحَجِّ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَغْلَمَهُ اللهُ وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»^(۱)؛ کسی که حج را بر خود فرض کرده (باید توجه داشته باشد) که در حج آمیزش با زنان و گناه و جدال نیست. و آنچه از کارهای خیر انجام دهید، خدا می داند. و زاد و توشه بردارید که بهترین زاد و توشه پرهیزگاری است.

در این آیه خداوند حجاج را تشویق می فرماید تا از انواع خواهشات و گناهان و سخنان ناسزا و بیهوده پرهیزند و با تمام وجود به عبادت و بندگی خداوند بپردازند. زیرا محیط حرم، محیط عبادت، انابت و تقواست که در آنجا باید آرایش ظاهری و لذت‌های مادی را ترک نموده و همه تن متوجه خدا باشد. در آنصورت چنین حجاجی مقبول و مبرور خواهد بود. رسول اکرم ﷺ همواره «حج مبرور» را مورد تأکید و توجه قرار داده‌اند و راجع به آن بشارتها و پاداشهای ویژه‌ای بیان فرموده‌اند. از این رو به برخی از موارد و مسائلی که باید در حج مبرور مورد توجه قرار گیرند اشاره می نمایم:

- ۱- مخارج حج حلال باشد؛ ۲- انگیزه از رفتن به حج خانه کعبه اخلاص و رضایت خداوند عزوجل باشد؛ ۳- شعائر الله مورد تعظیم قرار گیرند؛ ۴- ادب و احترام مکانهای مقدس کاملاً رعایت شود؛ ۵- حاجی فروتن و متواضع باشد و با دست و زبان به کسی آزار نرساند؛ ۶- حج توأم با عبادت، انابت، دعا و استغفار باشد.

فلسفه احکام حج

نکته اساسی در عبادت آن است که برای امتثال فرمان خدا و ادای حق بندگی و سپاسگزاری از نعمتهای انکارناپذیر وی انجام می گیرد و لازم نیست که نتایج و بهره‌های آن در زندگی مادی انسان مشهود باشد. وجه مشخصه عبودیت خداوند، ایمان به غیب و پذیرش بی قید و شرط فرمان اوست. گرچه شناخت فلسفه احکام اسلامی حائز اهمیت است اما نه تا حدی که برخی در هر مورد از احکام اسلامی به فلسفه جویی می پردازند؛ مسلماً طرفداران چنین طرز تفکری گرایش مفرطی به عقلانی و فلسفی بودن احکام دارند در هر حال

■ حج، مولد یک نیروی معنوی بزرگ است که به مسلمان توان می دهد و وجود او را از فروتنی و تقوا در برابر خدا و تصمیم به اطاعت و پشیمانی از نافرمانیش پر می سازد.

اصل این طرز تفکر از فلسفه گرای غربی نشأت گرفته که دستاورد آن چیزی جز ایجاد شک و تردید در عقاید و باورهای اسلامی نیست لذا در صورتی که، عقل کسی از فلسفه احکام اسلامی اقتناع نشد، به جای آنکه به تخطئه وحی الهی بپردازد باید عقل خویش را ناقص و ناتوان تر از آن بداند که توان درک فلسفه احکام و فرامین الهی را داشته باشد و بر باور و ایمان قلبی خویش اعتماد نماید که شیوه مومنان راستین چنین است: «ربنا آمنا بما أنزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين»^(۲)؛ پروردگارا! به وحی تو ایمان آوردیم و از پیامبر تو پیروی نمودیم لذا ما را از زمره گواهان قرار ده.

با وجود این فلسفه احکام و مناسک فریضه حج بسیار گسترده و مهم است که بخشی از آن را ذکر خواهیم نمود.

خداوند خطاب به حضرت ابراهیم ﷺ می فرماید: «وَ أذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ يُشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللهِ»^(۳)؛ در میان مردم به حج فراخوان تا پیاده و سواره از فاصله‌های دور به سویت آیند و شاهد منافعی برای خود باشند و خدا را یاد کنند.

این توجیه مهم قرآن به حرکت مبارکی که مردم پیاده و سواره از نقاط دور دست آن را در پیش می گیرند، اشاره می نماید. و منافع آشکاری را که قرآن آنها را بر ذکر نام خدا مقدم داشته، بر می شمارد، از جمله:

الف: حج یک منبع نیروی معنوی و عاطفی؛

حج، مولد یک نیروی معنوی بزرگ است که به مسلمان توان می دهد و وجود او را از فروتنی و تقوا در برابر خدا و تصمیم به اطاعت و پشیمانی از نافرمانیش پر می سازد و عاطفه محبت به خدا و رسول خدا ﷺ و یاران و پیروان او را در وی سیراب می گرداند و احساسات برادری نسبت به فرزندان اسلام، در هر مکانی که باشند را در او زنده کرده و آتش حماسه اعتقادی و تعصب نسبت به مقدسات را در سینه اش می افروزد.

سرزمین مقدس و خاطرات آن، شعائر و آداب حج

۲ آل عمران: ۵۳.

۱- بقره: ۱۹۷.

۳- حج: ۲۷-۲۸.

و آثار درونی آنها، نیروی جماعت و الهامات فکری و رفتاری آن و... همه اینها به روشنی آثار خود را در ژرفای وجود فرد مسلمان بجا می‌گذارند و او با قلبی زلالتر و شیوه‌ای پاکیزه‌تر و تصمیمی راسخ‌تر برای خیر و نیکی و مقاومتی سرسختانه‌تر در برابر انگیزه‌های شر از سفر خویش باز می‌گردد و هر قدر حشش نزد خدا مطلوب‌تر و پسندیده‌تر باشد، به همان اندازه در زندگی آینده‌اش مؤثرتر خواهد بود.

ب: حج مشق تحمل ناملايمات زندگی است:

سفر حج در بردارنده درس تحمل سختیها، دوری از وطن، جدایی از خویشان و چشم‌پوشی از آسایش و فراغت زندگی در میان خانواده و دوستان است. حکمت الهی نخواسته است که این سفر به سوی سرزمینهای زیبا و سرسبز و خوش آب و هوای آسیا، اروپا و غیره که تفریحگاه‌های مردم جهان بحساب می‌آیند، انجام گیرد بلکه مشیت الهی آن بود که حج در بیابان بی‌آب و علفی که نه برای تفریح تابستان مناسب است و نه بهار، انجام گیرد و این خود تربیتی است برای فرد مسلمان در تحمل دشواریها و ناگواریها و مقابله با ناملايمات زندگی.

ج: منافع بازرگانی:

از نظر مادی نیز حج فرصت با ارزشی برای مبادله منافع تجاری میان مسلمانان در سطحی وسیع می‌باشد؛ برخی از مسلمانان روزگار پیامبر اسلام ﷺ از معامله در ایام حج کناره می‌گرفتند و از هر فعالیت دنیوی که سود و درآمدی نصیب آنان می‌کرد از ترس سقوط پاداش الهی و نقصان در عبادت خویش اکراه می‌ورزیدند، اما خداوند کریم اجازه اینکار را به شرطی که نیت خالص باشد و هدف اساسی همان حج تلقی شود به آنان داد. چنانکه خداوند می‌فرماید: «لیس علیکم جناح أن تبغوا فضلاً من ربکم»^(۱)؛ گناهی بر شما نیست اینکه از فضل پروردگار خود برخوردار شوید (و در ایام حج به کسب و تجارت بپردازید). امروزه نیز بازارهای مکه و مدینه به دو مرکز بزرگ تجارت جهانی تبدیل شده‌اند که از روابط بازرگانی

و تجاری آنها منافع فراوانی نصیب مسلمانان می‌شود. علاوه بر آن از زیارت‌های مکرر حج و عمره سود کلانی عاید صنعت جهانگردی کشور عربستان سعودی و سایر شرکت‌های سیاحتی و زیارتی کشورهای اسلامی می‌شود.

د: برابری، وحدت و یگانگی:

حج آموزش و تمرین عملی اصول متعالی انسانیت مورد نظر اسلام برای فرد مسلمان است؛ اسلام دوست ندارد که اصول و ارزشهای اجتماعی آن در شکل شعار و حرف محض باقی بمانند، بلکه با بیان عبادات و شعائر خویش، پیوندی محکم برقرار نموده است تا به عنوان یک درک و احساس ویژه به درون اندیشه و قلب انسان راه یابد و مسیر عملی و فکری او را در زندگی ترسیم نماید.

در انجام مناسک حج این مسأله کاملاً روشن می‌گردد که هیچ فرد و گروهی امتیازی نسبت به فرد یا گروه دیگری ندارد، و از جمله اهداف بلند این آیین عبادی مساوات و کنار نهادن برتری جویی بر دیگران است.

شعاع یگانگی در آیین حج بسیار وسعت می‌یابد، و مبدل به یگانگی در احساسات، یگانگی در شعائر، یگانگی در هدف، یگانگی در عمل و یگانگی در شعار می‌گردد. نه اثری از اختلاف جغرافیائی و نژادی وجود دارد و نه تعصبی نسبت به رنگ و جنس و طبقه، همگی مسلمان هستند و به خدای واحد ایمان دارند، گرد خانه واحدی می‌گردند، یک کتاب (قرآن) را می‌خوانند و از پیامبر اسلام ﷺ پیروی می‌کنند و کارهای مشابهی انجام می‌دهند، لذا کدام وحدت ژرفتر و گسترده‌تر از این خواهد بود؟

ه: حج، یک انجمن جهانی است:

حج به فرد مسلمان امکان می‌دهد تا شاهد بزرگترین و پرشکوهترین گردهمایی سالانه اسلامی باشد، انجمنی که نه از طرف پادشاه یا رئیس حکومت یا جمعیتی، بلکه از سوی خدای جهانیان بدان فرا خوانده شده است. در گردهمایی حج، یک مسلمان برادران خود را از پنج قاره دنیا

انجمن بزرگ
حج بزرگترین
عامل یادآوری
حقوق برادران
دینی با وجود
دوری سرزمینها
و تذکره برادری
و برابری اسلامی
و پیوند اعتقادی
به شخص
مسلمان است.

در مکان واحدی که از نقاط مختلف جهان به سوی آن می‌شتابند. عرب، ایرانی، افغان، هندی، اهالی شبه جزیره ملایو، مراکشی، سودانی و دیگران، همگی برای طلب آمرزش از خداوند رحمان و رحیم به کعبه روی می‌آورند و هنگامی که در چنین مکانی برای چنان هدفی به همدیگر بر می‌خورند، روابط نوینی از محبت و برادری ایجاد می‌کنند.

حداقل یکبار در زندگی مسلمان، همه امتیازات میان فقیر و ثروتمند، گدا و زمامدار به طور کامل باطل می‌شوند و این بخاطر آنست که هر شخص حج گزار در حین انجام این فریضه مقدس، لباس ساده‌ای می‌پوشد و نشانه‌های شخصی خود را ترک می‌نماید و فقط یک شعار «الله اکبر» را برای خود انتخاب می‌کند نه شعاری دیگر.

آیینهایی که انجامشان بر حاجیان لازم گردیده از قبیل طواف خانه خدا در وجود آنان خاطرات پیامبران و پدران ارحمندی را که طی قرن‌های گذشته در همین سرزمین‌ها زندگی کرده‌اند، بیدار می‌سازد و اعمال حضرت ابراهیم، بنیانگذار دین خالص و کارهای فرزندش اسماعیل و همسرش هاجر را از نو زنده می‌کند و در برابر فرد حج گزار، انگیزه و شوق پیروی از احساسات و تسلیم آنان در برابر خواست خدا را نیرو می‌بخشد.^(۱)

حج پیامبر اسلام ﷺ

پس از آنکه به مشیت الهی، روح و روان امت از شائبه بت‌پرستی و عادات جاهلی پاک و پیراسته گردید و دلها با نور ایمان و محبت به خدا و پیامبرش فروزان گشت؛ از طرفی مسلمانان بعد از فراق طولانی بیت‌الله الحرام، سر تا پا عشق و علاقه شدند تا به حج بروند، و از طرفی، گویا هاتفی از درون قلب رسول اکرم ﷺ ایشان را ندا در می‌داد و یادآور می‌شد که دوران اقامت آن حضرت ﷺ در عالم دنیا به پایان نزدیک است و وقت وداع فرا

می‌بیند که سرزمینها، رنگها و زبانهایشان متفاوت است و تنها پیوند اسلام و ایمان آنان را دور هم جمع کرده است تا شعار واحدی را سر دهند: «لیک اللهم لیک لیک لا شریک لک لیک...»

علی رغم برگزاری کنفرانسهای تساوی حقوق بشر و مبارزه با نژادپرستی، آیین عالی اسلام هزار و چهارصد و اندی سال پیش، تجمع و گرد همائی مسلمانان جهان را با اختلاف نژاد و زبان اعم از عرب و عجم، سیاه و سفید، اروپایی، آسیایی، افریقایی و آمریکایی سالی یکبار با پوشیدن یک لباس و انجام مناسک و آیین مشترک فرض قرار داد.

انجمن بزرگ حج بزرگترین عامل یادآوری حقوق برادران دینی با وجود دوری سرزمینها و تذکر به برادری و برابری اسلامی و پیوند اعتقادی به شخص مسلمان است. این گرد همایی بسان کوره‌ای می‌ماند که انگیزه‌های قومی و اقلیمی را با حرارت ایمانی خود ذوب می‌نماید و همه نشانه‌ها و نژادها و مشخصه‌های برتری جویی را ناپدید می‌سازد و تنها این شعار باقی می‌ماند که «انما المؤمنون اخوة»^(۱)؛ همانا مؤمنان با هم برادراند.

علاوه بر این، دانشمندان، اندیشمندان و اصلاحگران با هم دیدار می‌کنند و از این فرصت برای آشنایی، همفکری و همکاری در جهت یافتن بهترین راهها، برنامه‌ها و ابزارهای رسیدن به هدفها و تحقق آرمانهای اسلامی به رأی زنی و گفتگو می‌پردازند تا آنجا که برخی از مستشرقان و یگانگان نیز به برتری این آیین بزرگ اسلامی اعتراف نموده‌اند، و به نتایج و فوائد مادی و معنوی آن اشاره کرده‌اند، از جمله خانم والگیری در کتاب «دفاع از اسلام» می‌نویسد:

«ویژگی و طبیعت و آثار عمیق و اسرارآمیز آیین حج چنان است که عقل آدمی از درک و تشریح آن، جز در حدی بسیار اندک، ناتوان است، با این حال همان اندازه برداشت و درکی هم که از آثار مزبور امکان‌پذیر می‌باشد به سادگی و راحتی از حکمت کاملی پرده بر می‌دارد. کسی نمی‌تواند منکر فوایدی باشد که اسلام از اجتماع سالیانه مسلمانان

■ حج پیامبر
عملاً قائم مقام
هزاران خطبه و
درس قرار
گرفت؛ گویی
مدرسه‌ای
متحرک و مسجد
سیناری که جاهل
در آن آموزش
می‌دید و غافل
آگاه می‌شد. ابر
رحمتی بود که در
حال توقف و
حرکت بر سر
مردم سایه
افکنده بود.

۱- حجرات: ۱۰.

۲- رک نقل از عبادت در اسلام، صص: ۳۰۳-۳۱۲، با اندکی تلخیص و تصرف، تألیف: دکتر یوسف قرضاوی، ترجمه: محمد ستاری خرقانی، نشر احسان، ۱۳۷۹ هـ ش - تهران.

تا زمانی که مردم به کتاب الله تمسک بجویند، هرگز گمراه نخواهند شد.

جانب راست به طواف کعبه پرداخت. پس از طواف در پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز گزارد و سپس به سعی بین صفا و مروه پرداخت.

رسول اکرم ﷺ روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه از چهارم تا هفتم ذی الحجة را در مکه معظمه اقامت نمود. روز پنجشنبه هنگام چاشت به اتفاق مسلمانان به «منی» رفتند و آنجا نماز ظهر و عصر را بجای آوردند. شب جمعه را آنجا گذراندند و روز بعد، با طلوع خورشید به سوی «عرفه» حرکت کردند.

خیمه آن حضرت ﷺ قبلاً در «نمره» زده شده بود، همان جا منزل کرد. هنگام زوال سوار بر شترش «قصواء»، از آنجا به وسط میدان «عرفه» آمد. در این محل بر روی شتر خطبه مهمی ایراد فرمود که طی آن، اصول اسلام را شرح و توضیح داد و اساس شرک و جاهلیت را منهدم نمود و به حرام بودن کارهایی از قبیل قتل، آبروریزی و خوردن مال مردم تصریح نمود و کلیه امور جاهلی را زیر قدمهایش پایمال کرد. ربای جاهلی را ملغی قرار داده و ابطال آن را اعلام نمود.

در مورد زنان به خوش رفتاری توصیه نمود و نیز حقوقی را که بر عهده زنان است بیان کرد و فرمود: مخارج و نفقه و لباسشان طبق شریعت بر مردان لازم است.

امت را در مورد تمسک به کتاب الله توصیه و تأکید نموده و فرمود: تا زمانی که مردم به کتاب الله تمسک بجویند، هرگز گمراه نخواهند شد و فرمود که از آنها روز قیامت درباره او (شخص رسول الله ﷺ) سؤال خواهند شد. بعد (از ایشان) پرسید که آنها، آنجا چه خواهند گفت و چگونه گواهی خواهند داد؟

همگی گفتند: ما گواهی می دهیم که پیام حق را به ما رساندید و حق نصیحت و خیرخواهی را ادا کردید. آنگاه رسول اکرم ﷺ انگشتش را به سوی آسمان بلند کرد و سه بار خداوند متعال را بر سخن آنان گواه گرفت. پس از اتمام خطبه به «بلال» دستور اذان

رسیده است. در این هنگام خداوند عزوجل به پیامبرش اجازه رفتن به حج بیت الله الحرام را عنایت فرمود. و این نخستین حج آن حضرت ﷺ در زمان اسلام بود.

رسول اکرم ﷺ مدینه را به قصد مکه ترک گفت تا ادای حج نموده و به مسلمانان دین و مناسک آنان را تعلیم دهد و با ادای امانت و اخذ شهادت از آنان، آخرین توصیه های خود را به امت عرضه نماید. این حج عملاً قائم مقام هزاران خطبه و درس قرار گرفت؛ گویی مدرسه ای متحرک و مسجد سیاری که جاهل در آن آموزش می دید و غافل آگاه می شد. ابر رحمتی بود که در حال توقف و حرکت بر سر مردم سایه افکننده بود. آری، ابر رحمتی که با مصاحبت خود و بارانی که با بارش مهر و عطوفت و تربیت و نظارت خود، همه همراهان را فراگرفته بود.^(۱)

وقتی آن حضرت ﷺ به ادای حج تصمیم گرفتند و اراده خود را به مردم اعلام فرمودند، تعداد کثیری از مردم آماده حرکت شدند. مردم اطراف مدینه نیز به مدینه آمدند تا به مصاحبت رسول اکرم ﷺ مشرف شوند. رسول اکرم ﷺ ۲۵ ذی القعدة روز شنبه بعد از ادای نماز ظهر عازم مکه شدند. قبل از حرکت در مورد احرام حج، واجبات و سنن آن خطبه ای ایراد فرمودند.

هنگام حرکت، لبیک بر زبانش جاری بود و مردم نیز همراه آن حضرت ﷺ لبیک می گفتند. آن حضرت ﷺ پس از رسیدن به مکه مکره از قسمت شمالی مکه وارد مکه شد و بوقت چاشت به مسجد رسید. وقتی نگاهش به «بیت الله» افتاد فرمود:

«اللهم زد بیتک هذا تشریفاً و تعظیماً و تکریماً و مهابة»؛ بار الها به شرافت و عظمت و بزرگداشت خانه خود بیفزای.

دستها را بلند کرده تکبیر می گفت و این دعا را می خواند: «اللهم انت السلام و منک السلام، حینا ربنا بالسلام».

سپس آن حضرت ﷺ به سوی بیت رفت و در مقابل «حجر الاسود» قرار گرفت و پس از استلام آن از

۱- ندوی، ابوالحسن علی، نبی رحمت، ص: ۳۸۵، مترجم: مولانا محمد قاسم قاسمی، انتشارات شیخ الاسلام، ۱۳۸۰.

شتر را تحریک کرده، تیزتر رانند (زیرا در همین مقام، بر اصحاب فیل عذاب آمده بود)، تا این که به «منی» رسیدند و از آنجا در حالی که سوار بودند به «جمره عقبی» آمدند. رسول الله ﷺ بعد از طلوع خورشید، رمی جمار فرمودند، و هنگام رمی تلبیه را قطع کردند.

آنگاه به طرف «منی» برگشت و موعظه بلیغی برای مردم ایراد فرمود و طی آن، مردم را از حرمت و بزرگداشت «یوم النحر» آگاه ساخت و درباره ارزشی که این روز در پیشگاه حق دارد، توضیحاتی داد. نیز درباره حرمت و فضیلت «مکه» بر دیگر شهرها تأکید نمود و به اینکه اطاعت و مناسک و احکام حج را از آن حضرت ﷺ یاد بگیرند و تأکید کرد مبادا بعد از او، راه کفار را برگزینند و یکدیگر را گردن بزنند و فرمود این مطالب را به دیگران برسانید و سپس این خطبه را ایراد فرمود: «اعبدوا ربکم، و صلوا خمسکم، و صوموا شهرکم، و اطیعوا اذا أمرکم، تدخلوا جنة ربکم»؛ پروردگارتان را عبادت کنید، نمازهای پنجگانه را بخوانید، ماه رمضان را روزه بگیرید و از اولی الامر اطاعت کنید (و به پاداش این اعمال) وارد بهشت پروردگارتان شوید.^(۳)

در پایان از خداوند متان مسألت دارم تا به همه مان حج مبرور و مورد رضایت خویش نصیب فرماید.

«آمین»

○●

داد و نماز را اقامه کرد. نماز ظهر را دو رکعت خواند و بعد از آن نماز عصر را نیز دو رکعت ادا فرمود. این روز، جمعه بود.

بعد از ادای نماز، سوار شتر شده به «موقف»^(۱) تشریف برد و بالای شتر ایستاد و مشغول دعا، و تضرع و ابتهال و اظهار عجز و نیاز گردید.

در همین روز، این آیه نازل گردید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضَيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»^(۲)؛ امروز برای شما، دینتان را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را (به عنوان دین شما) برای شما اختیار کردم.

هنگامی که خورشید غروب کرد، از عرفه حرکت نمود. ایشان و اسامه بن زید بر یک شتر سوار شدند، اسامه پشت سرش بود و با کمال وقار و آرامش جلو رفتند. مهار شتر را به طرف خود کشیده بود، بطوریکه نزدیک بود سر مبارکش به پالان شتر بخورد. در همین حال می فرمود: ای مردم! با آرامش و اطمینان حرکت کنید. و در طول راه، تلبیه می گفت و تا رسیدن به «مزدلفه» تلبیه ادامه داشت. در مزدلفه به بلال دستور داد تا اذان بگوید. بلال، اذان و اقامه گفت. آن حضرت ﷺ نماز مغرب را قبل از خواباندن شترها و گذاشتن بارها بر زمین، ادا فرمود.

هنگامی که مردم، بارها را بر زمین نهادند، نماز عشا را اقامه نمودند. بعد از نماز عشاء تا فجر، مشغول استراحت شدند.

روز بعد، نماز فجر را در اول وقت بامداد خوانده، سوار شتر شدند و به «مشعرالحرام» آمدند. آنگاه پیامبر ﷺ رو به قبله نموده، مشغول دعا و تضرع و تکبیر و تهلیل و ذکر شدند، تا این که هوا بطور کامل روشن گردید. هنوز خورشید طلوع نکرده بود که رسول اکرم ﷺ و همراهان به طرف «مزدلفه» حرکت کردند. فضل بن عباس نیز با آن حضرت ﷺ سوار شتر بود و حضرت رسول ﷺ در طول راه مرتباً تلبیه می گفت.

رسول الله ﷺ به ابن عباس دستور داد که برای او، هفت عدد سنگریزه جهت «رمی جمار» بر دارد. هنگامی که آنان به وسط «وادی محسر» رسیدند،

■ امروز برای شما، دینتان را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را (به عنوان دین شما) برای شما اختیار کردم.

۱- موقف، یعنی جای وقوف و ماند، در این جایگاه، رسول اکرم (ص) تا دیر وقت به دعا مشغول بود. این جایگاه، هنوز هم معروف و مشخص است.

۲- مانده: ۳.

۳- به نقل از نبی رحمت، ص: ۳۸۶، تألیف: امام سید ابوالحسن علی ندوی رحمته، مترجم: مولانا محمد قاسم قاسمی، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.